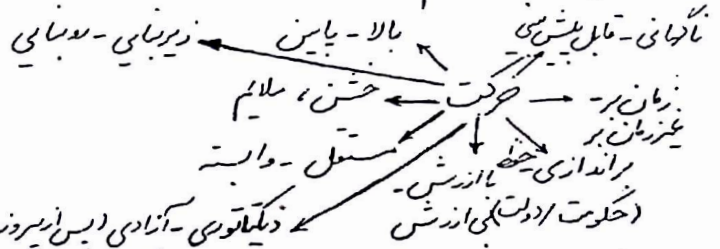


جلد ۲

الف: کودتا

تفسیر ناچھانی نظام حکومتی یک کشور بہ دست مقامات ارتشی یا دولتی و گرفتن قدرت از طبقہ سی حاکم



انقلاب توسط مدیران عالی رتبہ صورت می گیرد و توسط مردم صورت می گیرد.

کودتا اکثرًا بہ صورت **حسن** انجام می گیرد. انقلاب نیز بہ صورت **حسن** صورت می گیرد.

در این گونه حرکت ها هیچ کس حاضر بہ از دست دادن حکومت و قدرت نیست.

اکثر کودتاها بہ صورت **وابستہ** صورت می گیرد.

کودتا در پی **جبری و غافلگیری** صورت می گیرد و بدون پشتوانہ سی مردم است و ثبات و آرامش ندارد بہ همین دلیل

کودتا اکثرًا بہ صورت **وابستہ** است.

کودتا باید در مدت **زمان کوتاهی** صورت بگیرد و سریع تر بہ ثبات برسد و باید **وابستہ** باشد و پشتیبانی گردد.

انقلاب بیشتر گرایش بہ سمت **استقلال** دارد.

با ارزش و بی ارزش بودن کودتا از منظر علوم انسانی و بر اساس **۳۱** فاکتور صورت می گیرد.

(۱) با ارزش یا بی ارزش بودن خود کودتا و حرکت (۲) گذشتہ، حال و آئندہ کودتاجی (۳) واکنش مردم بہ کودتا

البتہ از نظر **سیاست** توسط بی ارزش است کہ شامل **تورہ، تحریر، مجازہ و کودتاجی** شود.

کودتا از نظر **سیاست** بر این دلیل بی ارزش است کہ غیر قانونی است، ناجوانمردانہ و زیادتی طلبی است نسبت بہ

رقبا و دیگر عاملان حکومت، محض **چون** توجہی بہ مردم است، خلاف حقوق **بین الملل** است.

واکنش مردم نیز بہ کودتا بہ حالت دارد: (۱) موافقت (۲) مخالفت (۳) امتناع

اگر مردم از شرایط راضی باشند با کودتا مخالفت می کنند و بی اگر مردم از شرایط راضی نباشند با کودتا موافقت می کنند.

کودتاجی گذشتہ سی خود را توجہی کند و آئندہ حال خود را خوب جلوه می دهد.

بر خلاف کودتا کہ حرکتی بی ارزش محسوب می شود انقلاب حرکت با ارزشی است.

کودتا برای براندازی دولت و دولتمردان است و بہ حکومت و نظام و مثل ادارہ سی کشور در **حالت ناچھانی**

ندارد ولی بعد از بہ ثبات رسیدن شرایط کودتا حکومت را تغییر می دهند و همچنین قانون و مثل ادارہ سی کشور را

بہ نوع خود تغییر می دهند و این کارها را بدون اعلان عمومی انجام می دهند.

اما انقلاب از همان ابتدا براندازی حکومت و دولت را با هم در نظر می گیرد.

کودتا غیر زمان نرود لی انقلاب زمان بر است. چون کودتا حرکتی **بیطبی** سری است و اخبار و اطلاعات پخش نمی شود

کودتا حرکتی ناگهانی است البته نه برای کودتای بلکه برای مردم انقلاب برای هیچ کس نه مردم، نه رهبران و نه از بیرون قابل پیش بینی نیست.

حله ۳

کودتا در ابتدا حالتی دیکتاتوری دارد چون کودتای از مخالفت جاواحه دارد به همین شرایط را انستی می کند و به طور مثال حکومت نظامی اعلام می کند، روزنامه و رسانه ها را محدود می کند و... ولی بعد از مدتی (که گاهی نسبتاً طولانی است) شرایط را عادی و آرام می کند.

ولی انقلاب چون شرایط قبل از انقلاب توسط انقلابیون دیده شده به سمت دیکتاتوری نمی رود و اغلب حالت آرام و عادی دارد ولی حکومت بعد از انقلاب علی رغم آزادی، آراش و زندگی عادی که برقرار می کند در مقابل تهدیدها و مخالفت حاکم می ایستد ولی گذارد شرایط عادی و آرام به هم بریزد.

حرکت کودتای حرکت رو به پای است چون تحولات عظیم و درجه‌ای عرصه‌ها صورت می گیرد فقط به گونه‌ای انتقال قدرت صورت می گیرد ولی بعد از مدتی که کودتا جا افتاد گاهی اوقات تغییرات زیربنایی هم صورت می گیرد ولی در مقابل حرکت انقلاب حرکتی زیربنایی است و درجه‌ای عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و... تأثیری ندارد.

نکته: واژه‌ی انقلاب خودش به تنهایی بار مثبت دارد ولی کودتا در فضای لغوی عکس این موضوع است.

کودتای خرنده: تهاجم فرهنگی، یورش فرهنگی، جنگ نرم
فرد در شکران جهان اسلام

استعمار کهنه: نوعی از استعمار است که با خشونت صورت می گیرد.
استعمار جدید: نوعی از استعمار که بدون خشونت و حکومت بر مستعمره صورت می گیرد و بر چند پایه استوار است: (۱) استعمار (۲) استعمار و بار دادن تجدد و تمدن و تبلیغ آن ولی بدون دادن پایه‌های تمدن و تجدد به ملت مورد استعمار این نوع از استعمار رایج شده است.

در واقع کودتای خرنده ارزش کم و فرهنگ‌ها را به ضد فرهنگ تبدیل می کند و در طولانی مدت این کار را می کند.

البته استعمار جدید اگر موجب سود رسانی به مستعمره‌ها شود تا جندی خوب است.

حضور نظامیان: حضور زیاد نظامیان و عناصر اطلاعاتی طبق آمار و اطلاعات باعث ایجاد زیاد کودتای شود. ولی در مقابل حضور نظامیان باعث ایجاد نظم و انضباط می شود ولی نظامیان در کشور ما اینگونه نبودند ولی توان به کل از نظامیان استفاده نکرد.

این حرکت حرکتی است که در آن آزادی‌های بیشتر به مقررین داده می‌شود چون اساس آن برای جلوگیری از ایجاد خشونت است.
 این حرکت حرکت بومی است و حکومت در آن نمی‌خواهد مبنای وزیر بر بنابر تغییر دهد.

Reform + { Reactionarism ارجاع
 Conservatism محافظه‌کاری

ارجاع: حرکتی است در جهت رفع و رجوع مواردی که قبلاً تغییرات که توسط مدیران باید صورت گیرد و اصلاحات را در جهت اصلاحات انجام می‌دهد.
 محافظه‌کاری: تغییرات در این حرکت انجام نمی‌شود.

استحاله (براندازی، حالی به حالی شدن) (Deform)
 تجدید نظر (Revision)

دوره اصلاحات
 حذف اصلاحات
 اصلاحات در تعریف
 یعنی بوده نه موارد
 سمت راست

اصلاحات دینی (Protestantism) - جدایی دین از سیاست، حکومت، فرهنگ
 انقلاب ≠ اصلاح - انقلابی ≠ اصلاح طلب (تعریف علم سیاست)

در تعریف دینی: اصلاح ≠ اساده، ساده و ... - ایمان + عمل صالح - نمونه اصلاح طلب
 دینی: امام حسین (ع)، حضرت علی (ع) - الویت اصلاحات دینی: تقی، مسعود، تقیض، مقرر.

اصلاح = انقلاب - اگر اصلاح به نتیجه رسید
 تعریف دینی: مشکلات حل می‌شود ولی گاهی اوقات ممکن است به انقلاب نیز منتهی شود.

در تعریف دینی: **اصلاح** → **انقلاب**

اصول پانزده شاه مردم - اصول شانزده شاه مردم - انقلاب سپید

- ۱) اصلاحات ارضی
- ۲) ملی کردن جنگلها و مراتع
- ۳) بیمه کردن کارگران در مورد بیهوشی کارگاهها
- ۴) خانه‌های اصناف
- ۵) سپاه دانش / بهداشت / تربیت و آبادانی / دینی
- ۶) آزادی زنان

سازمان خصوصی سازی	سازمان گسترش مالکیت واحدهایی تولیدی و صغیری
در نظام سه	سرمایه داری
ایرمان چهلدلم	از بهرام به
کتاب در بیان داده شد	کتاب در بیان داده شد

گاهی اوقات اصلاحات و انقلاب با هم قاطبی می‌شوند مانند انقلاب سپید
 اصلاحات شوروی
 بدستار یکا: طرح‌های اقتصادی ← برگرداندن مالکیت خصوصی به مردم
 کلانومت: طرح‌های فرهنگی
 نمونه اصلاحات ناموفق در نظام شوروی با خوف که موجب فروپاشی شوروی شد

برورده‌های اصلاحات باید مدیریت شود و به آرامی و در زمان طولانی صورت گیرد.
 همین‌رازمین اصلاحات روسیه درس گرفت و بدون سرد و جدا و خیلی آرام مشکلات نظام مارکسیستی را رفع کرد.

عضر نظامی در عهدی عرصه حامی تواند فعالیت کند به همین دلیل شانس کودتا برایشان کمی شود و به همین دلیل در کشورهای دیگر (بجز کشور ما) اکثراً کمتر از نظامیان در امور دولتی و سیاست های دولتی استفاده می کنند.

ولی چون نظامیان کشور ما اینگونه نبودند و اکثراً این ها یای ایثارگر و کارآمد بودند می توان از آنها در کشور ما در سیاست های دولتی بیشتر است.

- به اشتباه اعتماد کودتا و انقلاب :

گاهی اوقات به دلیل اینکه کودتا در زبان عربی انقلاب و انقلاب در این زبان الثورة نامیده می شود با هم اشتباه گرفته می شوند.

همچنین گاهی اوقات به دلایلی همچون ترس از انقلاب و کودتا با هم اشتباه گرفته می شوند.

جنگ سخت ترین تجدیدی است که نسبت به یک کشور می توان انجام کرد.
بحث تفهید تخصص :

در انقلاب ها و کودتا ها برای جاگزینی افراد در سیاست ها، افراد متفرد ترو به دلیل جای جانی قدرت بر سرده ؟
حواصی انقلاب و کودتا ؟ انتخاب می شوند.

ب : اصلاح

تعریف سیاسی حرکت های بر اساس ارزش های حاکم و توسط نظام حاکم به منظور ایجاد تحول و تغییرات در مبانی اصلاح حرکت های گام به گام و به نوعی بازی سیاسی است و بر اساس تساهل و تسامح صورت می گیرد.
حرکت از بالا صورت می گیرد و حرکتی ملایم است. پروژه اصلاحات معمولاً مستقل است ولی می تواند وابسته نیز باشد.

اصلاح می تواند انزاسی را در اختیار بگیرد تا اعتراض را از اعتراض به حکومت دور کند و آنها را به طایفه مثلاً ورزش مشغول کند تا اصلاح انجام گردد و نظام تغییر نلند.
پروژه های توسعه بلند مدت : برنامه ای در راستای اصلاحات که می تواند واقعاً باعث اصلاح و توسعه شده یا فقط باعث جلوگیری از اعتراض شود و امت شاخص حار را به وجود آورد.
بنابراین دلیل های بالایی توان گفت که اصلاح حرکت خوب یابری است ولی از نظر سیاست برخلاف مشغول کردن معترضان به مسائل دیگر غیر از مسائل مشگل دارد در کشور حرکت خوبی به حساب می آید.

حکومت این حرکت را در جهت خط خود انجام می دهد.

این حرکت زبان برابست و هر چه زمان بیشتری ببرد بهتر است.

این حرکت ناخرهانی نیست و عهدی حکومت ها همیشه به دنبال اصلاحات هستند.

در علم سیاست انقلاب را به عنوان موجودی که تازه متولد می شود در نظریه گیرند که در طول زمان رشد می کند
به تعالی می رسد. (به آریان حامی خود می رسد)
حجین انقلاب مانند نقطه ای در زمان نیست بلکه از موهج وقوع شروع می گردد و بر همین جهت انقلاب مستمرا
دائمی نامیده می شود.

ج: محضت

تلاش جامعه علیه حاکمیت و مداخله بیگانگان است (شروع و استارت کار از آن) ← تعریف برابر
حاکمیت محضت تا بود محضت ملی کردن محضت
جوهره حرکت محضت بیگانه ستیزی است.

این حرکت از طرف مردم در نوعی از پارس به حالات

در ابتدا این حرکت ملامت ملی اگر دولت در مقابل مردم ایستاد (در رابطه با کار اشتبا عش) تبدیل
به حرکت محضت می شود

این حرکت، حرکتی مستقل و داخلی است.

این حرکت، حرکتی با ارزش است چون نشانی غیرت مردم، افزایش سطح فهم مردم و ... است.

این حرکت، نه برای براندازی و نه برای حفظ حکومت است. بلکه به خاطر پدیده ای که در افزایش

مداخله بیگانگان تأثیرگذار است تشکیل می شود تا این پدیده را از بین ببرد.

این حرکت چون ~~...~~ نظم موجود را بر هم می زند باید غیر زمان بر باشد.

حجین قابل پیش بینی است چون هر زمان ممکن است دولت کاری برخلاف مصالح ملی انجام دهد.

این حرکت، حرکتی زیربنایی است که در جهت استقلال صورت می گیرد.

حجین این حرکت در جهت آزادی است

استقلال:

اولاً استقلال برای کشوری که توانایی برای رشد دارد و می تواند خودش حرکتی در جهت رفیع استقامت
صورت دهد مثبت است.

استقامت:

(۱) نظامی، آشکار (کهن): شکل نظامی و آشکار استقامت پس از جنگ جهانی دوم بر چیده شد ولی در منظقی خاور میانه
هنوز هم به همین صورت بر علت جنگ بر مبر انزوی وجود دارد.

ولی در کل جدیداً به صورت پنهان و به علت تفرقه اندازی که در بین حاکمان و مسئولان یک مملکت ایجاد می شود،
در این بین استقامت صورت می گیرد.

(۲) استقامت اقتصادی، (استقامت): نوعی تملک برای ترغیب مستوفه ها بر خود حصولاً که خود را توانند تولید

۱
(۳) استعمار نو: که همان استعمار فرضی و جنگ نرم است که باعث از بین رفتن و وابستگی میان ملی فرضی یک کشور بر بیگانگی شود.
تبدیل بهت بر انقلاب:

آگاهی مردم، توان و قدرت رهبران و شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می تواند موجب تبدیل بهت به انقلاب شود.

برای مثال در کشتن ناصرالدین شاه مردم با رهبران عوامی نکردند و رهبران در تشکیل بهت باید بیگانه ستیز و استقلال طلب باشد و نجابت کافی داشته باشد تا بهت به انقلاب تبدیل شود.

د: نورس (سیاسی)

۷- بروز انواع نارضایتی در میان قشر یا اقشار از جامعه علیه نظام حاکم که توأم با حسرت و دوزاری با کاربرد سلاح است نوعی اعتراض صحتی که موجب ایجاد ضرورت برای همی مردم می شود همانند انحصار و قطع در جهت منافع همان صفت یا قشر است و ممکن است اکثریت مردم از این حرکت ماضی باشند.

این حرکت به دلایل بالا حرکت صحتی محسوب می شود و هدف آن می دلالی ندارد و به راحتی می تواند از اثر کوب برد. این حرکت با تطبیح، تهدید و - از بین می رود و جهت نورس کننده متفرق می شوند.

این حرکت که کلاً صحتی است با حرکتی کاملاً سیاسی شود بدون اینکه نورسین حتی مطلع باشند ولی در شب و خبر خوبی برای حرکت

این حرکت از مابین صورت گرفته و ابتدا اعلام است و پس از آنکه به نرسید به حرکت حش می رود. این حرکت حاجت کلاً مستل نیستند و ممکن است ادامه باشد و بستگی به شرایط دارد.

این حرکت، حرکت بی ادبی است چرا که اعتراض به شرایط روشن حقای مخصوص به خود دارد. حرکت می تواند به نرسد براندازی دولت یا حکومت در آن صورت رود.

این حرکت می تواند زمان بر باشد چون در صورت زمان بر بودن قضای نا امن ایجاد می شود و زندگی را مشکل می کند. این حرکت، حرکت قابل پیش بینی است.

این حرکت پیش از نرسد به نرسد و در صورتی که در جایی محسوب می شود.

تعداد نورس و انقلاب: (۱) تعداد افراد مقروض (۲) هدف انجام حرکت

همچنین چون اهداف نورس مقالی نیست عمده مردم با آن همراه نیستند و با عوامل کن به عنوان افراد محرم بر خود می شود ولی اگر اهداف مقالی شود و همی مردم همراه شوند می تواند تبدیل به انقلاب شود.

حرکت دانشجویی: اعتراض دانشجویان در جهت سیاسی که در واقع بهت و جنبش است و موجب گرفتاری دانشجویان

می شود و بر این دلیل است که مردم می تواند اعتراض کنند ولی دانشجویان به عنوان افراد خط مقدم اعتراض و بهت مایه اجوی دانشجویی این حرکت را انجام می دهند ولی دولت در عدد صحتی نشان دادن این حرکت بود.

هـ: قیام، اتحاد، حرکت، جنبش در - جوش و خروش و معادمت و ایستادگی در برابر حکومت
و: انقلاب (ثورة، Revolution)

دولت: دارگویی، دگرگونی، زیردرد شدن - این واژه در متن نقل معنای دگرگونی مثبت ندارد ولی در متن انقلاب معنای
در اصطلاح: حرکت تحول گامی و اساسی

در زبان عربی انقلاب در تعریف سیاسی کودتا معنای شود و ثورة به معنای انقلاب در فارسی معنای شود.

Revolute دولت حرکت بازگشتی معنای نمود و در علم سازه‌شناسی به معنای تحول شدن است.

تحول در جنبه‌های برای مثال در علم، در اقتصاد و - انقلاب این جنبه زمینه محسوب می‌شود.
منف و اخلاق و روح

در این جا هدف از انقلاب، انقلاب سیاسی است که در واقع تحولات ناگهانی و شدید سیاسی، اجتماعی و
اقتصادی با استعمال زور و طفیلین مردم به منظور تغییر دولت یا حکومت است.

این حرکت حرکتی از سمت مردم و پائین است و حرکتی خشن و استقلال طلبانه مستقل و با ارزش است
که زمان بر است (ماتم انقلاب الجزایر) ولی بر سر دژی رسیدن آن ناخواهی است و در جهت آزادی و زیربانی است.

ن: (اعضای عمده در تعریف انقلاب): * مهم‌ترین عناصر

* جایگزینی نظام نو - مردمی بودن

* استقلال قدرت - اعمال قدرت - غیر وابستگی به قدرتها

مزدخوش - ناخواهی بودن

رود بر شد و تکامل بودن - درخواست

با این تعاریف جریان مشروطه ابتدا از بهشت عدالتخانه شروع نمود و مجری به مجلس شورای اسلامی و سپس تشکیل مجلس شورای
ملی شد. و نوعی بهشت یا حرکت یا قیام یا جنبش محسوب می‌گردد.

در جریان مشروطه اعمال قدرت صورت گرفت به همین دلیل انقلاب محسوب نمی‌گردد.

نکته: انقلاب به راحتی می‌تواند از مسیر خارج شود.

مشخصات:

۱- کودتا به کاملاً غیر مترقبه - حرکتی از بالا - عمرات (الشرایع) حش - مکرر است که باقی آمده و مقدر باشد که کسی در مجالش با اسلامی نماند - ملاک
کودتایی به لزوم برابری حکومت (دولت) با مملکت بوده و نسبت به ایادی حکومت هم جانشین و دارم با طاب و وابسته به قدرت و حاکم
به راحتی می توان از زیر پای حکومت چه کسی او را پستی یا بی بند و بار عملی به محض این که کودتا بر می شود و حاکمیت می شنود و حمایت می کند
کودتای دولتی و از زبان وی بیانات است و باید حمایت شود / کودتا خلاف قانون است و می تواند کودتای است / مکرر کودتا جایز نیست
کودتای آری زنده است و نیازمند اکثریت قدرت است اما در یک دید مثبتی ندارند - در نگاه دیگر: شکار و چیلان چندین سال با هم بود اگر خوب بود
چون کودتا کردید ملا می بود و من همه آن به حش - شکار و دورتای قید و خور و زخم می خورد و خطای می دیدیم که با شکر / کودتا چه - دولت
(یعنی از لحاظ عمیق) را عموماً می شنود چون هنوز بیانات ندارد نظام (حکومت) ما حتی اگر قبلاً داشته باشد یعنی بعد از در حالی است / بعد از تغییر
به شدت با نظری قانون است می نامد می نبرد برای تغییر قانون است / فرغ نظام حکومتی است / آن که می کند و سپس آن را مبدل آن می مردم تا بعد
کودتا معنایی به مکتبی مری است (چون بالاترین چیز حکومت بر آن است که جوش هم ندارد) / دست از کودتا باید رانند باشد چنان که با اکثریت
کودتا / محدودیت زمان دارد - کودتا و غیره مان بر / کودتا می کشیت شده و دولت می کشند و با هر قانونی بر شرف بر خود می کشند تا ترس می شود +
حکومت نظامی به بسته شدن یعنی جلای مثل روزنامه و روزنامه

۲- اصلاح - اصلاح طبقات - حرکتی می شود (حکومتی خود باید بچند برسد) - اصلاح : کاملاً کام و بدون تنش /

ماهیت، تعداد و جهت حکومت ابتدا تغییر می کند و فقط شکل کودتایی را تغییر می دهد / اگر برشته و قانونی است که دست می رسد به تغییر و در آن شکست یا
توسیع حاکمیت بر مردم (که همیشه استبداد و نیرنگ است) - اصلاح - اصلاح یعنی اصلاح با قانون و معنی همان دولت است و در آن اصلاح
حتی تا جایی که حش آن هم در شش است / اصلاح حرکتی به است / اصلاح در اصلاحات / به من حکم گامی نداشته باشد هر کار دیگری حاکمیت است
از اصلاحی که اصلاح طلب - هر کسی را خبری از بیابان و اعدای ندید و ... تامل بعد - لا برنده ها همه با همین عشق رشوت و ... باشند -
نوشته برامی که ساله (و آید ساله) - در همین زمینه ها برامی که نوشته که عقاید آن می چیلان شود و می بای که گشودای پیشرفته برسم / نوشتم برامه
نوی سر کار گذاشتن است اما من است / اصلاحات: ۱- حرکتی از بالا است - ۲- ملامت است - ۳- اگر حاکمیت داشته باشد، با اکثریت است و در آن
سیاه بازی و خلاف کردن باشد از شما - ۴- ممکن است مستقل باشد - مستقل: واقعا مکرر گفته می شود که حش - وابسته - پرورد
دیوان تا بیاد برنده شود (که است) / هر کسی که در مملکت چندین مزارع اصلاحات را اجرا کند و علم سیاست هم در اصلاحات می کشند

۳- انقلاب - مردم می طرف، حکومت هم طرف دیگر - اکثر حش - حرکتی از پایین است و روستا مردم عاری - حرکتی بر حش و مکرر

اصول حرکت در انقلاب: استقلال / انقلاب که در شش است / به هر هر زمان غرض است تغییر حکومت و دولت است / بسیار زود است
در چه زمان بیشتری می گذرد مردم اگر در ترس می شود / انقلاب زمان بره ولی لحظی پیروزی ناگهانی در برابر پیش بینی است / هیچ روزی
انقلاب، چنان از سانسود شکر و ... جسته اند، همه چیز بر باز می شود و در می عوای بر لاشی که خبرهای روزانه در جابقی می شود و زندانی ها در آزادی
بطور کلی، فضای بعد از انقلاب، فضای آزادی است که مطلق است و در آن است که با حش بر خود می کشند / به دنبال تحول می بر می رسد حکومت
پس انقلاب یک حرکت است / علم سیاست یک انقلاب را قبل از وقوع می بیند و می بیند که می چیلان است / چنان که از بعد از وقوع حکومت است و باید
تخیرات فرح می رود - اینجا هم در شش است - انقلاب باید طی سال های حکمیتاری که در آن حال است که می باید که (انقلاب مستقل) - باید طی سال های پس از انقلاب
پرورد های اصلاحی ترفند کند و آن ها را انقلاب تبدیل می پرورد های اصلاحی تا به زمان و موقعیت کشند و شروع به اصلاح کنند (تخیرات جاسوسی
تغییر سیاست خارجی - اصلاح: نه انقلاب (اما انقلاب هم نامیده شده)

عناصیر عمده در تحول انقلاب: ۱- جایگزینی نظام فئودالی بولناری هم دولت هم نظام - ۲- انتقال قدرت - ۳- مکرر حش (حکومت حش است)
ع - مردمی بودن (حکومت از پایین) - حد غیر وابستگی / قدرت ها مستقل است - ۴- ناگهانی بودن از نظر زمان و دفع پیروزی - ۵- مردم بر
و تکامل بودن - ۶- حرکت زیر پای - ۷- زمان بر می آورند - ۱۰- حرکتی مثبت تلقی می شود. (۴)

تعاریف :

۱- کودتا ← ضرب زدن به دولت یا حکومت به درباری: براندازی / در زدن لفظ سیاسی: تغییراتی که نظام حکومتی را بشکند به دست مقامات ارتشی یا دولتی در ضمن قدرت لایقتهای حکم (در بر پدیده‌ی کامله غیر مستقیم)

۲- شبه کودتا ← گروه: A ← کامله موافق نظام / B ← متوازن (بی ثبات) / C ← مخالف جدی // نظام از نواد و روحم و اصل بی ثباتی
نقشهای گروهی باشند (اما نه لزوماً افراد انقلابی هستند بدون استثنا) بعد از هر جمع شده از طریق از دراندازی در سلسله‌ی من (در نظام های ارتشی عقیده بر اینست که می‌تواند باید پدید بیاید و باید در لفظ حفظ شود)

۳- کودتای خونریز ← تمام زحمتی، زدن زحمتی، جنگ نرم ← باید شب ملامت از دشمنان تغییر می‌دهند به مردم عام از دشمنان با براندازی با کم از دشمنان (-)

۴- اصلاح ← ماهیت، محتوا و ساختار حکومت ابتدا تغییر می‌کند و فقط شکل و بنیاد را تغییر می‌دهیم

Defon استیله ←

Revisionism ←

protestanis ←

۵- نهضت ← یعنی شروع به حرکت / قوی سیاسی: تلاش جاهل علیه جاهلیت و مصلحتی بیگانگان

استقلال ←

۶- شورش ← بروز نا اطمینانی در میان قشری از جامعه علیه نظام حاکم که در آن با خشونت در جدلی با کار بر اصلاح است.

۷- جنبش ← حرکت دانشجویی

۸- قیام، اتحادیه، جنبش، حرکت ← جنبش‌های مردمی در اعتراض به سیستم رسیده‌ی ما با مطالبه انجام می‌شوند ← جنبش و خودش در قدرت را بسازد در برابر حکومت هستند

۹- انقلاب ← در لغت: وارگری، تلنگری، زرد زدن / در اصطلاح: هر نوع تحولی در اساسی / در فرهنگ سیاسی: تحولی اساسی و شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با اعمال زور و تحمیل

ادامدی مشقات :

۴- نهفت - همین که خاستگی مردم بپزیرفته و به تغییر بر سهولت بر می درند / حرکت از این - ۲- ابتدا ملایم است (زبان خودش) ولی اگر گوش نبرد چاه ،
خشن می شود تا حکومت تعلیم شود - ۳- حرکت مستقل است - ۴- حرکت بالذکر است - ۵- حرکت نه برای حفظ است نه برای بلندی - ۶- زمان برست
(دوست در نبرد دخل شود) - ۷- حرکت عمل است **انسان ابتدا از حال است** / حرکت نه برای است (است)
رشد سیاسی مردم است - ۹- حرکتی نیست که باعث بشود چیزی عرفان بشود که مثلاً ابتدا با عدل و آزادی ایجاد بشود / علامت نهفت دنبال این حرکت است تا
استقلال ایجاد کنند / خودی تبدیل نهفت به انقلاب - ۱- آگاهی مردم - ۲- آگاهی رهبران - ۳- شرایط اجتماعی سیاسی و فرهنگی (در بیان انقلاب ها باید به این
روند و با مردم متناسب حرکت کنند) - فلسفه های نهفت - ۱- مالزی و ایران در این میان آنگاه حمایت کرده اند

۵- شورش - ۱- حرکت از این است - ۲- در ابتدا ملایم است (تبعی می تواند رفت و تند همراه عمل صلاح شود) - ۳- مستقل یا وابسته - ۴- حرکت
بی اندیشه است - ۵- می تواند برای براندازی حکومت یا دولت باشد - ۶- حرکت غیر زمان بر است (چون خودش مستقیم بی نظمی در مانی است و از طرف بلش
نه حکومت و نه مردم می توانند عمل کنند چنان این شرایط و شرایط زندگی است) - ۷- حرکت مابین بین (مبتلای هر لحظه و شورش را در جاهای مختلف است
۸- حرکت خشن (حرکت بلندی است که خشونت می آورد (ریاضتی می آورد) - ۹- حرکت در سیاسی است / در قمع شورش خیل شورش و پالیسی
کردن برای ایجاد می شود و شرایط بهم می ریزد و آزادی یاد می شود و یکت های عصبی - احساسی و بی عملی رایج می شود / عکس العمل مردم نسبت به شورش
مردم بی تفاوت هستند گاهی خشن می دهند چون نامرئی اند / شورش اگر آن مقدسی ندارد و شورش بیان را می توان قمع کرد و اگر جواب ندارد تهدید خود را
حرکت شورش منطبق ندارد و حمایت می شود از طرف مردم / چون معتقد است که باعث شورش شده اگر شورش بیان بتواند مردم را با هم فرستد آن عمل
کنند / انقلاب ایجاد می شود که مستقیم داشتن آرمان معالی است و این مردم همراه شدند / اکثر انقلاب ها پیش از میرزوی چند حرکت شکست خورد
داشتند چنان آرمان معالی داشتند می توانست مردم را با خود همراه کنند / حرکت شورش اگر مردم کم باشند و اگر آن مقدسی داشته باشند نیز نتیجه تبدیل به
انقلاب شود ، به راحتی سرکوب خواهد شد / شورش یک حرکت سیاسی است /

۶- حرکت دانش جویی (جنبش) - دنبال معنای نیستند مثل شورش ها نیستند / چیزی گیرشان نمی آید / چون عده ای مردم در آن یکجا مادی
به مبارزه نیستند ، دانش جویی که من که انرژی متراکم دارد و ما را بر هم حتم ، جانش مردم می شوم و یک قدم جلوتر از ما می آید چون باره به مردم ظلم می شود بارزه
می کنیم / حرکت سیاسی / حرکت مقدس / این حرکت جنبش است ولی حرکت آن را مثل شورش می دونه و قصد مله سرکوب کند / حرکت
دانش جویی حرکت انقلابی به جای مردم است

انواع انقلاب ها :

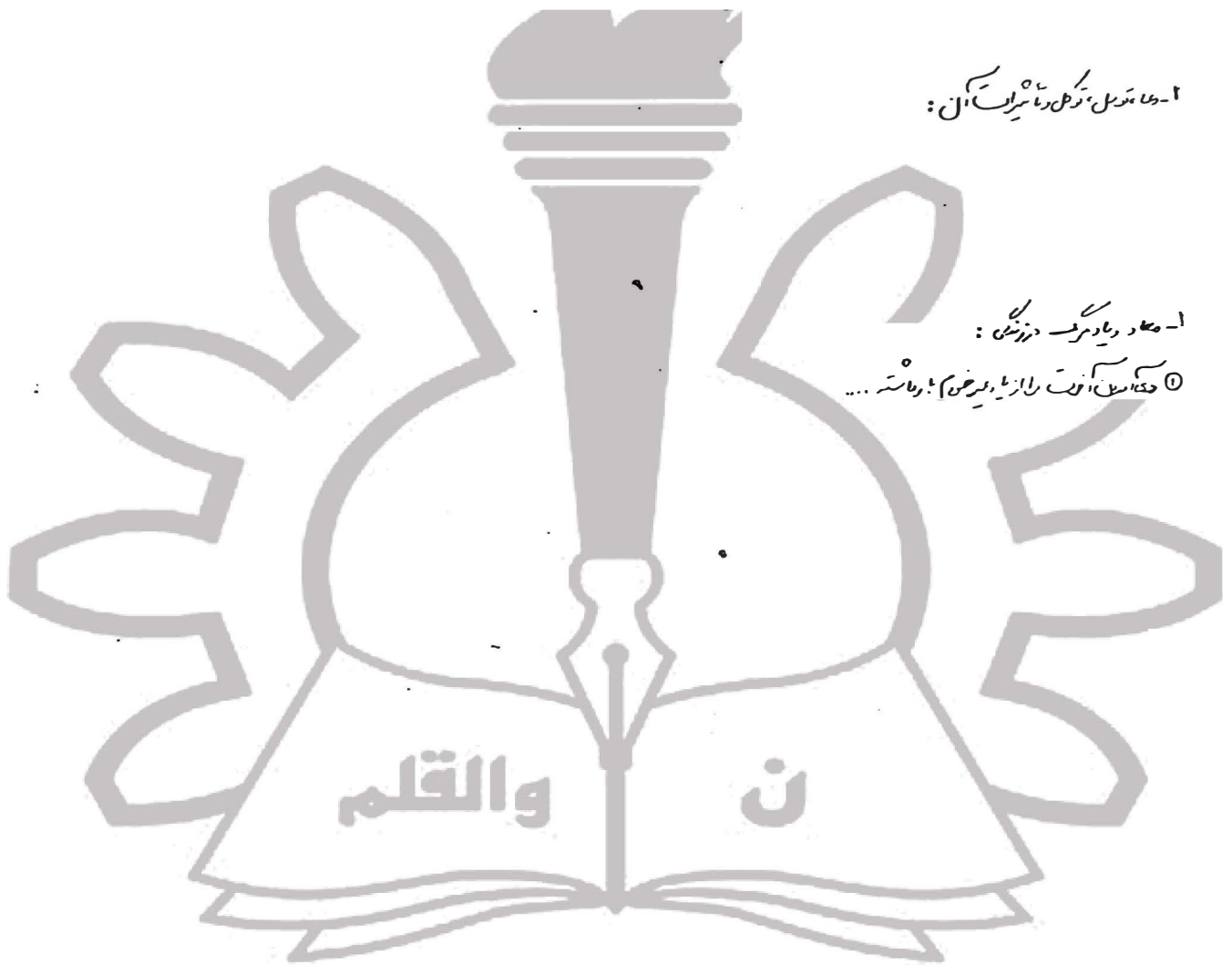
- ۱- انقلاب صنعتی - مثلاً وقتی ماشین بخار اختراع شد ، تحولی بی مانند و عظیم بود پس در زمینه های صنعتی انقلاب تلقی می شد
- ۲- انقلاب اقتصادی - مثلاً یک خدمت عام شرایط لازم از تمام (کامش) و حقوق (اقرایش) ما بهبود یافته
- ۳- انقلاب علمی - پیشرفت شدید علمی در چند سال (مثلاً قران ۱۰)
- ۴- انقلاب اجتماعی - در دوران انسان به وجود می آید (با تکرار عقل و عشق و توبه) - مثل حمزه عاشورا
- ۵- انقلاب سیاسی - مائونیست (پیرزوی) - تغییر نیست است / در چند بعد تحولات به وقوع می پیوندد - مردم سر بردار و رفیق
آنگاه - هدف معالی دارد و می خواهد حکومت را عوض کند و از عدول بگریزد و به افراد تازه ای بدهد

موسسه تخصصی زبان
موسسه تخصصی زبان
موسسه تخصصی زبان
موسسه تخصصی زبان
موسسه تخصصی زبان

فداسازی
۱- قصه و ویژگی‌های نهنه ترمیمی :

۲- حاد تبدیل، ترمیم و ترمیم آن :

۱- مدار ریادگرگ در زنگی :
① حکایت آنوقت را از زبان فرعون با روایتی ...



دانشگاه علم و صنعت ایران
انجمن علمی دانشکده مکانیک

برای دریافت نمونه سوالات، جزوات و کتب بیشتر به ما
پیوندید در

https://t.me/iust_scientific

کدامی مشخص

۱- کورتا - حرکت در بیای : فقط قدرت را می خواهند در بنال کورتا عمیق نیستند / و اکثرش مردم در مقابل کورتا : ۱- حالت : در هر کس از حکومت کورتا می باشند از شرف و رفاه می گویند و کورتا می گویند - ۲- موانع : اگر چه بیشتر از حکومت باشند، از اینکه این تمام عمل هم افتادند و رفاهی اند ولی با این همه در برتری روانه و کورتا را می خواهند تا در هم ایجا داشته باشند (مستحق جزو موانعها محسوب می شود) : عدلی بی حیال مستطری شریف نیستند در حق می شود! / کورتا بی اندیشه اما محقق مردم او را می بیند. درسته ملازمه و حال منفرده ولی پس از انجام اول ممکنه مردم را همی باشند در کینه محسوب هم شود! /

۲- شکر کورتا - ۱- شناسایی مخالفان - ۲- گرفتن جرات مبارزه (وقتی کرده با اکتفا کردند) به ۸ تقویم در رفیع می دهند و بعد ای از B ماکه که می کنند می کشند و بعضی سبب اعراج می کنند - ۳- موانع کورتا در مقابل کورتا (مستحق درستی نیستند) - ۴- سبب اعتماد در میان مخالفان : همیشه در ترس و هشت بگریزند / این همه کس شکر کورتا می کشند و درام برای مخالفان است

۳- اصلاح - شکل دادن دوباره و تغییر شکل + به اصلاح و به نفع کردن / حرکت های بر اساس ارزش ها حکام به توسط نظام حکام به به مقتصد ایجاد تحول و تغییرات در بیای / ۴- برای حفظ نظام را حکام است از بنال بقا و مانع بیشتر است) - ۲- زمان بر است (در هر چه زمان بیشتر برده بسته! می کند با برآمدن این عمل روزی بیستم در دستش می بینم) - ۷- یک حرکت قابل پیش بینی است (جو یابی عاری است که همی حکومت ها در دنیا به برای نازهای مختلف اصلاحات در جامعه می خورند) - ۸- سیاست معروف اصلاحات : تسامح و تساهل - کورتا به آکسن، با همه راه آکسن و مدارا کردن - آرای بیشتر - ۹- کورتا در بیای است - مبتنی بر نظام حکام است (در چهار چوب نظام حکام شکل ظاهری در جزئیات نمی کشد) / مخالفان در برابر اصلاح - ۱- موانع - مستحق ای ترس تغییر کنند چنانچه اصلاحات اول بر تمام داشته و می ترسند از این همه // ۲- موانع کورتا - خطر پذیرد در سبب پذیر نیست و می خواهد که کورتا در زندگی بسازد